اخبار کارگری

کارگران ارکان ثالث خطاب به رئیس سازمان برنامه و بودجه:
تبعیض در صنعت نفت و گاز را پایان دهید

جمعی از کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری پروژه‌های نفت و گاز در واکنش به اظهارات اخیر رئیس سازمان برنامه و بودجه مبنی بر تشبیه کارکنان نفت در زمان جنگ به رزمندگان، با انتشار نامه‌ای سرگشاده، ضمن انتقاد از شرایط فعلی و تبعیض‌های موجود، خواستار توجه عملی به وضعیت معیشتی کارگران و حذف پیمانکاران شدند.

به گزارش ایلنا، در این نامه آمده است: رزمندگان واقعی همواره در خطوط مقدم و در دل آتش ایستاده‌اند، نه در حاشیه امن میزهای عافیت! امروز نیز کشور در گیر یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی است و رزمندگان خط مقدم این جبهه دشوار، کسی جز کارگران و نیروهای ارکان ثالث و پیمانکاری نفت و گاز نیستند؛ همان زحمتکشانی که در گرمای طاقت‌فرسای بالای ۵۰ درجه جنوب، بر فراز سکوهای گازی در میانه دریا، در اعماق پالایشگاه‌ها و در مجاورت مستقیم با گازهای کشنده و سمی، جان خویش را در طبق اخلاص گذاشته‌اند تا شریان حیاتی اقتصاد کشور لحظه‌ای از تپش نیفتد. زحمات کارگران را به پای مدیران برخوردار از سقف حقوق ننویسید. سال‌هاست که بار سنگین و اصلی تولید نفت و گاز کشور بر شانه‌های خسته کارگران ارکان ثالث است اما سهمشان از این فداکاری مستمر، تنها تبعیض آشکار و ساختاری در حقوق، مزایا، امنیت شغلی و نادیده گرفتن شأن انسانی نیروی کار، حضور بلامنازع و سوداگرانه شرکت‌های واسطه و پیمانکاران تأمین نیروی انسانی و تکرار وعده‌های نافرجام در خصوص ساماندهی وضعیت اشتغال و طرح حذف پیمانکاران بوده است.

در ادامه این نامه آمده است: چگونه قانون تبدیل وضعیت تنها برای گروهی خاص اجرایی می‌شود اما کسانی که امروز در کف میدان عملیات هستند، نادیده انگاشته شده و مشمول هیچ‌گونه ساماندهی نمی‌شوند؟ مطالبات صنفی ما کاملاً شفاف، قانونی و غیرقابل چشم‌پوشی است: حذف فوری شرکت‌های واسطه‌ای و دلالان نیروی انسانی، انعقاد قرارداد مستقیم با کارگران، اجرای طرح ساماندهی جامع و برقراری عدالت مزدی و امنیت شغلی و پایان بخشیدن به نگاه «نیروی درجه دو» نسبت به سرمایه‌های انسانی و اصلی صنعت نفت. بی‌تردید تاریخ و وجدان بیدار جامعه قضاوت خواهد کرد که چرخ صنعت نفت نه با لابی‌گری و به دست مدیران نجومی‌بگیر، بلکه با دست‌های پینه‌بسته کارگران ارکان ثالث می‌چرخد. زمان آن فرا رسیده که به جای تعارفات کلامی، «عدالت عملی» را اجرا کنید.

تجمع جوانان بیکار اهوازی مقابل یک شرکت زراعی

در روزهای اخیر، جوانان جویای کار روستاهای موران و عمیشیه بزرگ، خواستار استخدام در شرکت کشت و صنعت نیشکر دعبل خزاعی اهواز شده و مقابل درب این شرکت تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این جوانان که بسیاری از آنها مدرک تحصیلی دانشگاهی دارند، می‌گویند: مجتمع نیشکر در زمین‌های روستای ما پا گرفته و قرار بوده جوانان بومی را برای استخدام جذب کند. حالا انتظار داریم به وعده‌ها عمل کنند. زمین‌های مجتمع متعلق به مردم محلی است پس چرا جوانان بومی، بیکار و بدون درآمد باشند؟ آنها با بیان اینکه فرصت اشتغال در روستاهای حاشیه‌ای اهواز محدود است، خواستار جذب در شرکت کشت و صنعت نیشکر دعبل خزاعی شدند و افزودند: باید بر روند جذب و استخدام نیروی انسانی در شرکت کشت و صنعت نظارت دقیق صورت پذیرد. جوانان روستایی بیکار تاکید کردند: استخدام حق بومی‌هاست اما متاسفانه تا این لحظه به درخواست‌ها و اعتراضات ما رسیدگی نشده است.

یک فعال صنفی:
پرداخت معوقات بازنشستگان نباید ۲۰ روز طول بکشد

واریز معوقات فروردین بازنشستگان تامین اجتماعی از عصر نهم شهریور آغاز شده اما قرار است پرداخت‌ها بر اساس حروف الفبا تا پایان ماه به درازا بکشد. «محمدحسن موسیوند» عضو هیات مدیره کانون بازنشستگان خرم‌آباد با انتقاد از روند واریز معوقات به ایلنا گفت: چرا پرداخت معوقات فروردین بازنشستگان ۲۰ روز طول می‌کشد؟! اگر تامین اجتماعی اعتبار مورد نیاز را فراهم کرده، چرا یکجا و در یک روز معوقات را پرداخت نمی‌کند؟ او ادامه داد: بازنشستگان پنج ماه انتظار کشیده‌اند تا افزایش حقوق فروردین به حساب‌شان واریز شود، حالا هم باید صبر ایوب داشته باشند تا معوقات قطره‌چکانی واریز شود! نماینده بازنشستگان خرم‌آباد با تاکید بر لزوم توجه به معیشت بازنشستگان کارگری که اکثریت آنها کم‌درآمد و زیر خط فقر هستند، افزود: انتظار داریم پرداخت معوقات اردیبهشت بازنشستگان نیز به سرعت در دستور کار قرار بگیرد. موسیوند اضافه کرد: امیدواریم نیاز نباشد چند ماه دیگر برای واریز معوقات اردیبهشت انتظار بکشیم! تامین اجتماعی باید هرچه زودتر این بخش از مطالبات را به حساب بازنشستگان واریز کند و توقع داریم در این زمینه اطلاع‌رسانی دقیق انجام دهند.

گرانی بنزین بدون توجه به سبد معیشت، کج‌بینی مفهوم عدالت است
مردم هم از سهمیه‌بندی‌ها متضرر می‌شوند، هم از حذف آنها!

«محمدجعفر قائم‌پناه» معاون اجرایی رئیس جمهور اخیراً در اظهارنظری گفت که «جدا از موضوع تحریم، قیمت فعلی بنزین عادلانه نیست زیرا افراد دارای چندین خودرو از یارانه بهره می‌برند اما افرادی که خودرو ندارند، از یارانه بنزین بی‌بهره‌اند و لذا نیازمند اصلاحاتی هستیم». این اظهارنظر و همچنین صحبت‌های سایر مقامات دولتی در ارتباط با گرانی بنزین، با واکنش و انتقادهای بسیاری مواجه شده است. مخالفان افزایش قیمت بنزین معتقدند نتیجه گرانی قیمت بنزین مشخص است: وخیم‌تر شدن اوضاع زندگی مردم به خصوص حقوق‌بگیران.

در همین رابطه یک فعال صنفی کارمندان مزدبگیر دولت به ایلنا می‌گوید: پیش از هرگونه تصمیم‌گیری درباره افزایش قیمت سوخت، باید آثار مستقیم و غیرمستقیم چنین اقدامی بر زندگی اقشار مختلف جامعه، به‌ویژه کارمندان، کارگران و خانواده‌های آنان، به‌دقت مورد بررسی قرار گیرد.

مهدی جهان‌بخشی با انتقاد از آنچه «اظهارنظرهای عامیانه و غیرکارشناسی» درباره قیمت سوخت می‌داند، اظهار کرد: اینکه برخی مسئولان با چنین اظهارنظرهایی قصد دارند افکار عمومی را برای یک شوک اقتصادی احتمالی آماده کنند یا اینکه کارشناسان و مشاوران این حوزه، واقعیت‌های موجود جامعه را به‌درستی تحلیل نمی‌کنند، موضوعی قابل تأمل است. با این حال، به‌نظر می‌رسد پاسخ این پرسش تا حدود زیادی روشن است.

وی افزود: متأسفانه دولت‌ها به جای ایجاد فرصت‌های بیشتر، بهبود شرایط زندگی مردم و ارتقای کیفیت خدمات عمومی، طی دهه‌های گذشته در موارد متعددی به دنبال راه‌هایی برای کاهش یا انتقال مسئولیت‌های خود بوده‌اند. سال‌ها با این استدلال که دولت توانایی مدیریت برخی بخش‌ها را ندارد، این بخش‌ها به مجموعه‌های خصوصی یا شبه‌خصوصی واگذار شدند در حالی که دولتی که در مدیریت بخش‌های مختلف خود با مشکل مواجه است، طبیعتاً در نظارت مؤثر بر بخش خصوصی نیز با دشواری روبه‌رو خواهد بود.

کارگران پیمانکاری؛ مشتی نمونه خروار

رئیس شورای مرکزی کارمندان دانشگاه‌های کشور به موضوع شرکت‌های واسطه نیروی انسانی اشاره کرد و گفت: نمونه روشن این روند، فعالیت شرکت‌های خصوصی واسطه‌ای است که در ابتدا با هدف انجام بخشی از امور محوله دولت شکل گرفتند اما به مرور به مسیر تأمین نیروی انسانی برای بدنه دولت تبدیل شدند. این مساله مشکلات متعددی ایجاد کرده و اکنون نیز با پیگیری و پافشاری مجلس، بحث حذف این واسطه‌ها و بازگرداندن مسئولیت تأمین و ساماندهی نیروی انسانی به وزارتخانه‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط مطرح است؛ پروژه‌ای که با وجود گذشت مدت قابل توجه، همچنان به نتیجه نهایی نرسیده است.

جهان‌بخشی با اشاره به برخی تصمیمات اتخاذشده در دهه ۸۰ درباره خدمات رفاهی کارکنان تصریح کرد: دولت در آن دوره با حذف بخشی از خدمات موظف خود به کارکنان، از جمله سرویس‌های ایاب‌وذهاب اداری و سلف‌سرویس‌های سازمانی و پرداخت هزینه این خدمات به پرسنل، روندی را آغاز کرد که پیامدهای سازمانی، اجتماعی و شهری متعدد به دنبال داشت.

وی ادامه داد: با حذف سرویس‌های حمل‌ونقل سازمانی، استفاده از خودروهای شخصی و تک‌سرنشین در شهرها افزایش یافت. پیامد این تصمیم تنها به محیط اداری محدود نماند و افزایش ترافیک شهری، رشد مصرف سوخت، تشدید آلودگی هوا و حتی شکل‌گیری برخی مشکلات جامعه‌شناختی و روان‌شناختی ناشی از حذف فضاهای جمعی و تعاملات میان کارکنان را نیز به دنبال داشت. این تصمیم بیش از آنکه نتیجه یک سیاست جامع و کارشناسی باشد، با هدف کاهش بخشی از مسئولیت‌های دولت اجرا شد.

قیمت سوخت؛ موتور محرکه تورم جدید در کشور

رئیس شورای مرکزی کارمندان دانشگاه‌های کشور با اشاره به هزینه‌های ایاب‌وذهاب کارکنان گفت: مبلغی که دولت در آن مقطع برای جبران هزینه رفت‌وآمد کارکنان در نظر گرفت، با توجه به تورم سال‌های بعد، به‌تدریج ارزش واقعی خود را از دست داد به‌گونه‌ای که امروز ممکن است یک بانوی کارمند در آستانه بازنشستگی در یکی از کلان‌شهرها، تنها بتواند با این مبلغ هزینه رفت‌وآمد خود را برای یک یا نهایتاً دو روز کاری تأمین کند.

افزایش قیمت سوخت می‌تواند مانند برخی تجربه‌های ناموفق گذشته، به‌ویژه در شرایط حساس اقتصادی و اجتماعی، زمینه‌ساز افزایش فشار معیشتی، بی‌نظمی، نارضایتی عمومی و تشدید مشکلات موجود شود

جهان‌بخشی تأکید کرد: افزایش قیمت بنزین تنها به هزینه مستقیم سوخت محدود نمی‌شود. تجربه سال‌های گذشته نشان داده که افزایش قیمت سوخت می‌تواند بر قیمت طیف گسترده‌ای از کالاها و خدمات و در نتیجه هزینه‌های زندگی مردم اثر بگذارد. از سوی دیگر، رفت‌وآمد روزمره کارمندان و کارگران و به تبع آن خانواده‌های آنان، چه افرادی که یک خودرو دارند، چه کسانی که چند خودرو دارند و چه شهروندانی که فاقد خودرو هستند، به شکل‌های مختلف تحت تأثیر قیمت سوخت قرار می‌گیرد.

وی افزود: افزایش بهای بنزین می‌تواند فشار مضاعفی بر سبد هزینه خانوار وارد کند؛ به‌ویژه برای کارمندی که هر روز ملزم به حضور در محل کار و پرداخت هزینه رفت‌وآمد است. بنابراین نمی‌توان موضوع یارانه بنزین را صرفاً از زاویه مالکیت خودرو یا تعداد خودروهای افراد بررسی کرد.

کج‌بینی مفهوم عدالت در قاموس برخی دولتمردان

جهان‌بخشی در واکنش به این استدلال که افراد فاقد خودرو از سهم خود از یارانه بنزین محروم می‌شوند، گفت: باید پرسید چرا در کشوری که از منابع گسترده زیرزمینی و ثروت‌های طبیعی برخوردار است، بخشی از شهروندان حتی امکان برخورداری از یک خودروی معمولی و متناسب را ندارند؟ بخش مهمی از مساله عدالت در اینجا، نه صرفاً در استفاده مستقیم از سهمیه سوخت، بلکه در نابرابری موجود در امکان دسترسی شهروندان به امکانات حمل‌ونقل و مالکیت خودرو است.

وی ادامه داد: از سوی دیگر، دولت در شرایطی که جامعه با تورم سنگین مواجه است، افزایش حقوق سالانه کارکنان را فقط ۲۰ درصد یعنی در سطحی بسیار پایین‌تر از رشد واقعی هزینه‌های زندگی تعیین کرده است. بنابراین هرگونه افزایش قیمت بنزین، بدون پیش‌بینی سازوکار جبرانی مناسب، می‌تواند فاصله میان درآمد و هزینه خانوارهای حقوق‌بگیر را بیش از پیش افزایش دهد.

لزوم قیمت‌سنجی تمام کالاها با قدرت خرید مردم

این فعال صنفی کارمندان دولت با اشاره به وضعیت قدرت خرید کارکنان در ایران اظهار کرد: در بسیاری از کشورها، یک کارمند می‌تواند با چند ماه حقوق خود یک خودروی کارکرده مناسب خریداری کند اما در ایران، به دلیل شرایط حاکم بر صنعت خودرو و سیاست‌های موجود، خرید یک خودرو با همان سطح کیفی، ممکن است به چند سال حقوق یک کارمند نیاز داشته باشد. مقایسه صرف میزان یارانه سوخت بدون توجه به قدرت خرید، سطح درآمد و هزینه‌های واقعی خانوار، نمی‌تواند تصویر دقیقی از عدالت اقتصادی ارائه دهد.

جهان‌بخشی در ادامه گفت: در برخی کشورهای نفت‌خیز همسایه، بخشی از درآمد حاصل از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی به شکل‌های مختلف در اختیار شهروندان قرار می‌گیرد، در حالی که در ایران همواره درباره پرداخت یارانه بنزین و سایر فرآورده‌های نفتی به مردم بحث و چالش وجود داشته است.

دولت در شرایطی که جامعه با تورم سنگین مواجه است، افزایش حقوق سالانه کارکنان را فقط ۲۰ درصد یعنی در سطحی بسیار پایین‌تر از رشد واقعی هزینه‌های زندگی تعیین کرده است

وی افزود: از سوی دیگر، کیفیت بنزین نیز باید مورد توجه قرار گیرد. اگر قرار است درباره قیمت سوخت تصمیم‌گیری شود، نمی‌توان کیفیت سوخت، آثار زیست‌محیطی آن و هزینه‌هایی را که به‌دلیل کیفیت نامناسب به خودروها و سلامت عمومی تحمیل می‌شود، نادیده گرفت.

فشار بر مزدبگیر؛ آسان‌ترین راه پیش پای دولت‌ها

جهان‌بخشی با انتقاد از رویکردهای مقطعی در سیاست‌گذاری اقتصادی تصریح کرد: متأسفانه در بسیاری از موارد، دولت‌ها به‌جای حل ریشه‌ای مسائل، به‌دنبال حذف صورت مساله بوده‌اند و به‌جای تقویت ساختارهای مدیریتی و نظارتی، ساده‌ترین راه را که کاهش یا حذف بخشی از نیازهای مردم، به‌ویژه اقشار کم‌درآمد و حقوق‌بگیر، است انتخاب کرده‌اند.

وی ادامه داد: مردم در طول سال‌های گذشته، هم از سهمیه‌بندی‌ها به شکل‌های مختلف متضرر شده‌اند و هم از حذف آنها. حذف ارز ترجیحی نیز اگرچه ممکن است در مقطعی با هدف جلوگیری از برخی سوءاستفاده‌ها انجام شده باشد اما در نهایت بخش قابل توجهی از هزینه این تصمیم بر دوش مردم قرار گرفت. نمونه دیگر، طرح کالابرگ است. ارزش حمایتی آن در زمان آغاز اجرا با ارزش واقعی همان مبلغ در بازار امروز قابل مقایسه نیست و در گذر زمان، قدرت خرید آن به میزان قابل توجهی کاهش یافته است.

ناکارآمدی سیاست‌های حمایتی در کشور

این فعال صنفی خاطرنشان کرد: دولت تاکنون نتوانسته متناسب با تغییرات اقتصادی و کاهش ارزش واقعی حمایت‌های پرداختی، سازوکار مؤثری برای جبران این کاهش قدرت خرید ایجاد کند. تجربه نشان داده که بسیاری از این طرح‌ها یک‌بار اجرا و در مقطع دیگری حذف می‌شوند، بدون اینکه در فاصله میان اجرای آنها، اصلاحات لازم برای حفظ اثربخشی و حمایت از جامعه هدف صورت گیرد.

جهان‌بخشی تأکید کرد: حتی اگر افزایش قیمت بنزین از منظر اقتصادی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تلقی شود، نحوه و زمان اجرای آن اهمیت بسیار زیادی دارد. چنین تصمیمی باید پس از بررسی دقیق آثار اقتصادی و اجتماعی، با سیاست‌های حمایتی روشن و مؤثر و با ایجاد پذیرش اجتماعی اجرا شود. در غیر این صورت، افزایش قیمت سوخت می‌تواند مانند برخی تجربه‌های ناموفق گذشته، به‌ویژه در شرایط حساس اقتصادی و اجتماعی، زمینه‌ساز افزایش فشار معیشتی، بی‌نظمی، نارضایتی عمومی و تشدید مشکلات موجود شود.

به گفته وی، مساله اصلی صرفاً «قیمت بنزین» نیست بلکه باید مجموعه‌ای از عوامل شامل درآمد واقعی خانوار، قدرت خرید، هزینه حمل‌ونقل، تورم، کیفیت خدمات عمومی و میزان مسئولیت‌پذیری دولت در قبال شهروندان به صورت هم‌زمان مورد توجه قرار گیرد.

گفت و گو

دبیر کل حزب اسلامی کار:
کالابرگ و ترمیم دستمزد جبران‌کننده فشار معیشتی و تورم نیست

در شرایطی که فشارهای معیشتی و افزایش هزینه‌های زندگی، بحث درباره نحوه حمایت دولت از خانوارها را به یکی از موضوعات اصلی اقتصاد تبدیل کرده، این پرسش مطرح است که سیاست‌هایی مانند کالابرگ و یارانه تا چه اندازه می‌توانند پاسخگوی نیازهای مردم باشند و آیا این حمایت‌ها بدون اصلاح ساختار اقتصادی، اثری پایدار خواهد داشت؟

چندی پیش «احمد میدری» وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اشاره به درخواست‌های مطرح‌شده درباره ترمیم دستمزد کارگران گفت که در صورت درخواست نمایندگان کارگران، امکان برگزاری جلسه بررسی مزد وجود دارد ولی اجرای برنامه‌های حمایتی برای جبران فشار معیشتی، نیازمند منابع بودجه‌ای است. «حسین کمالی» وزیر کار و امور اجتماعی در دولت‌های سازندگی و اصلاحات و دبیر کل حزب اسلامی کار در گفت‌وگو با اقتصادنیوز با انتقاد از شیوه فعلی سیاست‌گذاری اقتصادی، معتقد است پرداخت‌های حمایتی در شرایطی که تورم و هزینه‌های زندگی افزایش یافته، نمی‌تواند جبران‌کننده فشارهای وارد شده به مردم باشد. او تأکید دارد که دولت باید به سمت ایجاد یک اقتصاد رقابتی و مبتنی بر تخصص که زمینه‌ساز رفاه مردم باشد، حرکت کند.

با توجه به شرایط اقتصادی کشور و وضعیت خاص فعلی، به نظر شما سیاست‌های حمایتی مانند کالابرگ و یارانه چگونه باید طراحی شود تا هدفمندتر باشد و بتواند حمایت مؤثرتری از مردم داشته باشد؟

اساساً بخش عمده سیاست‌های اقتصادی که دولت در حال پیگیری آن است را درست نمی‌دانم و معتقدم این سیاست‌ها نمی‌تواند منجر به پیشرفت، توسعه، رفاه و بهبود زندگی مردم شود. سیاست‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دولت باید به گونه‌ای باشد که نتیجه آن برای مردم، رفاه بیشتر، زندگی بهتر و ایجاد موقعیت مناسب‌تر باشد اما این جهت‌گیری را در سیاست‌های فعلی مشاهده نمی‌کنم.

در حال حاضر نوعی مسابقه افزایش قیمت‌ها در کشور شکل گرفته است. دولت هر روز به دنبال این است که درآمدهای خود را از چه محلی تأمین کند و برای موضوعات مختلف، مالیات و هزینه‌های جدیدی تعریف می‌کند تا منابع مورد نیاز خود را از جیب مردم تأمین کند. این موضوع فقط مربوط به طبقات ثروتمند نیست بلکه همه مردم به عنوان مصرف‌کننده، هزینه این سیاست‌ها را پرداخت می‌کنند.

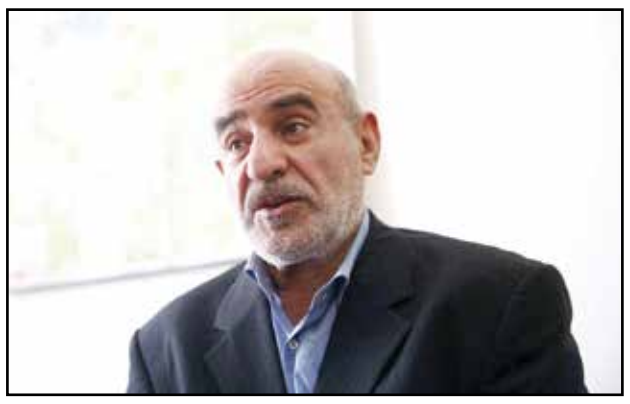

از سوی دیگر، اقداماتی که باید برای افزایش درآمد مردم، بهبود وضعیت اقتصادی و ایجاد شرایط بهتر زندگی انجام شود، در دستور کار قرار نگرفته و شاهد شکل‌گیری یک اقتصاد رقابتی و مزیتی نیستیم. بخش مهمی از اقتصاد به شکلی اداره می‌شود که مردم در تصمیم‌گیری‌های آن نقشی ندارند اما در نهایت تبعات و هزینه‌های آن را پرداخت می‌کنند. وقتی اقتصاد یک کشور رقابتی و تخصصی نباشد، طبیعی است که سایر سیاست‌های داخلی، خارجی، فرهنگی و اجتماعی نیز از همین وضعیت تأثیر می‌پذیرند و نتیجه مطلوبی برای جامعه ایجاد نمی‌کنند.

اینکه تورم‌های بسیار بالا در کالاها و خدمات به مردم تحمیل شود و بعد با پرداخت مبلغ محدودی تحت عنوان کالابرگ یا یارانه تلاش کنیم این فشار را جبران کنیم، عملاً جبرانی ایجاد نمی‌کند. مردم امروز از نظر معیشت و زندگی در شرایط سختی قرار دارند. حتی به نظر من شرایط اقتصادی به جایی رسیده که شاید صرفاً ترمیم مزدها نیز دیگر نتواند پاسخگوی مشکلات موجود باشد و دولت باید سیاست‌های خود را در حوزه‌های مختلف تغییر دهد.

پس اساسا این مدل سیاست حمایتی را در شرایط اقتصادی فعلی اثرگذار نمی‌دانید.

این سیاست‌ها به شکل فعلی نمی‌تواند مشکل مردم را حل کند. همین یارانه‌ای که پرداخت می‌شود، اولاً مبنای دقیق و درستی ندارد و ثانیاً مبلغ آن در برابر تورم موجود، بسیار ناچیز است. در شرایطی که هزینه‌های زندگی افزایش پیدا کرده، این پرداخت‌ها نمی‌تواند بخش قابل توجهی از مشکلات مردم را حل کند.

امروز جوانی که در این کشور زندگی می‌کند با مشکلات جدی مواجه است؛ از ازدواج گرفته تا تأمین مسکن و حتی مسائل مربوط به درمان. اگر فردی با بیماری مواجه شود، ممکن است با مشکلات زیادی روبه‌رو شود. به نظر من حتی حوزه درمان که انتظار می‌رفت حداقل در آن بخش شرایط بهتری وجود داشته باشد، چون خود رئیس‌جمهور پزشک است، امروز با مشکلات جدی مواجه است و مردم از نظر توان پرداخت هزینه‌های درمانی و دسترسی به خدمات مناسب، تحت فشار قرار دارند.

اگر سیاست‌های فعلی را ناکارآمد می‌دانید، دولت چه سیاست حمایتی باید در پیش بگیرد؟

راهکار را در یک عبارت می‌توان خلاصه کرد: اقتصاد رقابتی و مبتنی بر تخصص. مشکل اصلی این است که این نوع اقتصاد در ایران گم شده و چنین رویکردی به شکل جدی دنبال نمی‌شود. تا زمانی که ساختار اقتصادی کشور به سمت رقابت، تخصص و استفاده از ظرفیت‌های واقعی حرکت نکند، پرداخت‌های حمایتی نمی‌تواند مشکلات اساسی مردم را حل کند. دولت باید به جای تمرکز صرف بر توزیع منابع محدود، زمینه‌ای ایجاد کند که مردم بتوانند از طریق یک اقتصاد سالم‌تر، درآمد و رفاه بیشتری به دست آورند.

گفت و گو

دبیر هیات امنای سازمان خبر داد؛
برنامه تامین اجتماعی برای جبران خدمات پزشکان و پرستاران

دبیر هیات امنای تأمین اجتماعی و صندوق‌های تابعه با اشاره به چالش‌های موجود در حوزه درمان، از بازنگری درباره جبران خدمات پزشکان و پرستاران طرف قرارداد با این سازمان خبر داد و گفت: این اقدام جبران خدمات پزشکان را قاعده‌مند و زمینه‌ای فراهم می‌کند تا پزشکان وقت بیشتری را با انگیزه بیشتری در تأمین اجتماعی بگذارند و نظام انگیزشی آنان در تعامل با این سازمان و بیماران اصلاح شود.

علی نصیری اقدم در گفت‌وگو با ایسنا در پاسخ به پرسشی درباره چالش‌های حوزه درمان، از جمله کمبود پزشکان متخصص، بی‌رغبتی برخی پزشکان برای همکاری با تأمین اجتماعی، شلوغی مراکز درمانی و... اظهار کرد: تأمین اجتماعی در حال بازنگری میزان جبران خدمات پزشکان و پرستاران است که امیدواریم این موضوع هرچه زودتر انجام شود و به تصویب رکن مربوط برسد. البته این بازنگری درباره پزشکان انجام شده و سرپرست سازمان پیشنهاد خود را ارائه کرده است.

وی معتقد است که این اقدام جبران خدمات پزشکان را قاعده‌مند و زمینه‌ای فراهم می‌کند تا پزشکان وقت بیشتری را با انگیزه بیشتری در تأمین اجتماعی بگذارند و نظام انگیزشی آنان در تعامل با تأمین اجتماعی و بیماران بهبود یابد.

دبیر هیات امنای سازمان تأمین اجتماعی و صندوق‌های تابعه درباره وضعیت پرستاران نیز گفت: پرستاران نیز از نظر جبران خدمات در ماه‌های اخیر اعتراضات و ملاحظاتی داشته‌اند که به نظر من باید به این ملاحظات توجه شده و به لحاظ اقتصادی جبران شوند. این موضوع باعث دلگرمی و بهبود انگیزه‌های آنان می‌شود.

گزارش

کارگران پیمانکاری شهرداری بابل:
ماهانه فقط ۲۰ میلیون حقوق می‌گیریم

کارگران پیمانکاری شهرداری بابل از وضعیت شغلی و پرداختی خود انتقاد کرده و گفتند: سال‌هاست به‌صورت پیمانی در استخدام چند شرکت پیمانکاری به کار خدماتی و فضای سبز در شهر بابل مشغول به کار هستیم و در طول این سال‌ها هیچ‌گاه پیمانکاران مطالبات‌مان را به‌صورت کامل و قانونی پرداخت نکرده‌اند.

به گزارش ایلنا، این کارگران می‌گویند شرایط زندگی ما با ۱۰ تا ۱۵ سال سابقه کار، به‌دلیل نداشتن حقوق مکفی و نداشتن مزایای اضافه‌کاری، تعطیل‌کاری و شبکاری بسیار سخت شده و متاسفانه حمایتی از ما کارگران که در بخش‌های مختلف شهر مشغول به کار هستیم، در این شرایط سخت نمی‌شود.

این کارگران که عقیده دارند به واسطه کار با پیمانکاران، دریافتی‌هایشان نسبت به سایر کارگران قرارداد مستقیم شهرداری بسیار ناچیز است، می‌گویند: جدا از مشکل ناکافی بودن دستمزد دریافتی، ثبات شغلی نداریم و در صورت اعتراض با مشکل تهدید امنیت شغلی نیز مواجه هستیم. یکی از این کارگران با انتقاد از پیمانکار فعلی خود مدعی شد: سال‌هاست در روزهای تعطیل، در سرما و گرما، در شب‌های محرم و ایام عید، بدون تعطیلی و بدون اضافه‌کاری، حجم چندبرابری زباله را جمع می‌کنیم؛ بدون تجهیزات استاندارد، بدون لباس کار مناسب، بدون احترام و حتی بدون دستمزدی که کفاف زندگی را بدهد. به گفته وی، کارگری که شب با لباس خیس از باران به خانه برمی‌گردد، حقش نیست که با حقوق ناچیز حدود ۲۰ میلیون تومانی مجبور به کار شود؛ آن هم وقتی پیمانکار بخش بزرگی از حق و حقوق او را نمی‌پردازد.

به گفته این کارگر شهرداری بابل؛ این معضلات را بارها به مسئولان شهری گوشزد کرده‌ایم اما ظاهرا فشاری به پیمانکار وارد نمی‌کنند.